

همه‌جانبه است و منحصر به مسائل اقتصادی نمی‌شود. «توسعه اقتصادی بدون وجود ساختار سیاسی و اجتماعی توسعه‌یافته منجر به برگشت به وضعیت قبل توسعه می‌شود» (انگلیس، ۱۹۸۸: ۵۲) بسیاری از محققان واژه توسعه را مترادف با رشد نمی‌دانند. در بسیاری از کشورهای جهان سوم^(۱) توسعه مستلزم دگرگونی اجتماعی، فرهنگی و نیز رشد اقتصادی است. به‌عبارتی تغییرات کیفی باید با تغییرات کمی همراه باشد. با این تعبیر توسعه به مفهوم دگرگونی، به اضافه رشد است. (قوام، ۱۳۸۴: ۹۸) بنابراین مفهوم توسعه تمامی ابعاد توسعه ملی از جمله توسعه اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و امنیتی (دفاعی) را دربرمی‌گیرد. هدف توسعه سیاسی، مشارکت و رقابت گروه‌های اجتماعی در زندگی سیاسی است. «اعتماد متقابل بین مردم و دولت نقطه کمال در جامعه‌پذیری سیاسی است.» (نصوحیان، ۱۳۸۷: ۱۷۷) «توسعه‌سیاسی نه‌تنها به تحولات محیط پیرامون (یعنی حوزه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و غیره) بلکه به‌ویژه به خصوصیات ساخت قدرت و حوزه سیاسی بستگی مستقیم دارد. لازمه درک مفهوم توسعه‌سیاسی و دستیابی به آن، شناخت موانع توسعه‌سیاسی است. موانع توسعه‌سیاسی در ایران عبارتند از: ۱- ساختار قدرت سیاسی مدرن در ایران و تمرکز کنترل منابع قدرت ۲- چندپارگی‌های جامعه سیاسی ایران به‌عنوان مانع تفاهم و اجماع سیاسی ۳- فرهنگ یا عقاید و گرایش‌های سیاسی هیأت حاکمه یا ایت سیاسی به‌عنوان زمینه ذهنی مغایر با رقابت سیاسی.» (بشیریه، ۱۳۹۸: ۳۳)

سند چشم‌انداز، نقشه راهی است که همه دولت‌ها فارغ از وابستگی‌های سیاسی، باید در همان مسیر برنامه‌ریزی و اقدام کنند. برای حرکت در مسیر این نقشه راهبردی لازم است دولت‌ها نگاه و رویه کوتاه‌مدت نداشته‌باشند. «با اتخاذ رویه‌های کوتاه‌نگر، بزرگ‌ترین قربانی، اهداف چشم‌انداز و مصالح توسعه‌ملی است.» (مومنی، ۱۳۹۶: ۹۰) رویکرد توسعه‌سیاسی در سند چشم‌انداز و پایبندی به آن در همه برنامه‌های پنج‌ساله منطبق بر سند چشم‌انداز، منجر به کلان‌نگری و نگاه و رویه‌های بلندمدت حاکمیتی در دولت‌ها می‌شود. لازمه چنین رویکردی نهادمندی و پذیرش اجتماعی است. نهادمندی به‌منزله‌ی عنصر ذاتی و جوهری